



خود، به شکل صحیح خود، به کار بگیریم و این ملت را از زیر بار تحقیری که در طول چند صد سال نسبت به او انجام گرفته، خارج کنیم. این ملت احساس عزت می‌کند؛ احساس قدرت می‌کند، حق هم دارد؛ این ملت، عزت دارد؛ قدرت دارد؛ منتها ما را عقب نگه داشته اند؛ هم دستگاه‌های استبداد و حکومت‌های دیکتاتوری فاسد و هم پشتیبانان خارجی خبیث و بدخواه و बदدل آنها. امروز ملت ما، ملت آزادی است. ما می‌خواهیم این راه را با قدرت، با چشم باز، با همبستگی ملی برویم و کاری به کسی

ما می‌خواهیم این راه را با قدرت، با چشم باز، با همبستگی ملی برویم و کاری به کسی نداریم؛ تهدیدی برای کسی نیستیم؛ اما به آرمان‌های خودمان پابندیم؛ به منافع ملی‌مان پابندیم و آن کسی که منافع ما را تهدید کند، تیزی خشم این ملت را خواهد دید.

نداریم؛ تهدیدی برای کسی نیستیم؛ اما به آرمان‌های خودمان پابندیم؛ به منافع ملی‌مان پابندیم و آن کسی که منافع ما را تهدید کند، تیزی خشم این ملت را خواهد دید.

پروردگارا! آنچه گفتیم، آنچه شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ آن را از ما قبول کن؛ ما را در راه خودت ثابت‌قدم بدار؛ ما را از بندگان شایسته و صالح خود قرار بده؛ نیت‌های ما و دل‌های ما را پاک و خالص کن؛ امام عزیز ما را در میان اولیاء و بندگان صالح خود رتبه‌ای ارجمند بده؛ شهدای عزیز ما را با شهدای صدر اسلام محشور کن؛ ملت‌های مسلمان را از سختی‌ها، بدبختی‌ها، ذلت‌ها نجات بده؛ ملت ایران را در راه پُریرکتی که در پیش گرفته است، روزبه‌روز بیشتر تأیید کن؛ قلب مقدس ولی‌عصر (ارواح‌فداه) را از ما راضی و خشنود بگردان؛ مسؤولان خدمتگزار مردم را موفق و مؤید بدار؛ دشمنان این ملت را منکوب کن؛ شر آنها را به خودشان برگردان.

والسّلام علیکم ورحمه‌ا... و برکاته

منبع: khamenei.ir

بسم...الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الاطيين الاطهرين المنتجبين سيما بقيه... في الارضين.

قال... الحكيم في كتابه: «بسم الله الرحمن الرحيم. الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء. تؤتي اكلها كل حين باذن ربها و يضرب الله الامثال للناس لعلهم يتذكرون».

هفده سال از غروب اين خورشيد فروزان، از افق ديد ما، گذشت؛ هفده سال از آن شب و روز اندوهبار - که ملت ايران را در ماتم فرو برد - گذشت. امام عزيز ما از چشم ما ناپديد شد؛ جسم او از ميان ما رفت؛ وليکن حقيقت امام، فکر امام، روح امام، درس امام و مکتب امام در ميان ملت ما و در ميان امت اسلامي باقی ماند. اين شجره‌ی طیبه - همچنانی که در اين آيه‌ی شريفه تلاوت شد - شاخ و برگ بر سرتاسر فضای زندگی امت اسلامي گسترانيد؛ روزه‌روز ريشه‌دارتر شد؛ روزه‌روز مستحکمتر شد. اين کلمه‌ی طیبه و شجره‌ی طیبه‌ی «جمهوری اسلامي» است که محصول آن، بيداری در دنياي اسلام و مجد و عظمت و پيشرفت در کشور ما و ميان مردم ما بود. ملت ما از اين شجره‌ی طیبه، ميوه‌های شيرینی را چيد که برای يک ملت، اين ثمرات شيرين، حياتی است.

نکنه‌ی اول اين است که ما ملتی گمنام و دنباله‌رو سياست قدرت‌های بيگانه بوديم؛ ملتی منفعل در مقابل تصميم‌گيري دولت‌های متنفذ بوديم؛ يک روز امريکا، قبل از آن انگليس، يک روز روس؛ اما اين شجره‌ی طیبه ما را به يکی از اثرگذارترين ملت‌های عالم و اثرگذارترين کشور و ملت در اين منطقه تبديل کرد. اين، اعتراف دشمنان ماست. ما ملتی بوديم خودباخته و به نيروهای درونی خودمان ناآشنا و بی‌اعتقاد، و به زرق و برق بيگانگان چشم دوخته و فريفته؛ ولی اين شجره طیبه ما را به ملتی با ابتکار، با اعتماد به نفس، با حرف‌های نو و تازه در زمينه‌های گوناگون تبديل کرد. ثمرات شيرين اين شجره‌ی طیبه، امروز هزاران محقق و پژوهشگر، هزاران عالم و دانشمند، هزاران مغز متفکر و سرانگشت کارآمد در انواع و اقسام عرصه‌ها و صحنه‌هاست؛ چه در علوم انسانی، چه در علوم تجربی، چه در مسائل

هم تهديد می‌کنيد.

پيام رئيس جمهور ما به رئيس جمهور امريکا دولتی که زندان گوانتانامو و زندان ابوغريب و را مقايسه کنيد با پيام غيرمؤدبانه و سخياف جنایتهایي از قبيل جنایت حدیثه و جنایت امريکايی‌ها - اين پيام چند روز قبل در دنيا اخير کابل، ده‌ها و صدها، در پرونده‌اش هست، منتشر شد - که خارج از عرف ديپلماتيک و غلط می‌کند راجع به حقوق بشر حرف بزند. ليريز از تکبر حماقت آميز، پُر از تهديد و

حرف‌های پوچ بود. شما اگر می‌توانستيد به جمهوری اسلامی آسیب بزنيد، در اين بيست‌وهفت سال يک دقيقه را هم تلف نمی‌کرديد. وزير خارجه‌ی اسبق امريکا صريحاً گفت من بايد ريشه‌ی ملت ايران را بکنم؛ او گور به گور شد؛ اما ملت ايران روزه‌روز رشد بيشتري کرد.

شما از حقوق بشر حرف می‌زنيد! شما از مخالفت با تروريسم حرف می‌زنيد! دولتی که زندان گوانتانامو و زندان ابوغريب و جنایتهایي از قبيل جنایت حدیثه و جنایت اخير کابل، ده‌ها و صدها، در پرونده‌اش هست، غلط می‌کند راجع به حقوق بشر حرف بزند.

شما برای اينکه ايران را تهديد کنيد، می‌گويد ما قادريم کاری کنيم که حرکت انرژی در اين منطقه تأمین شود؛ اشتباه می‌کنيد. دست از پا در مورد ايران خطا کنيد، حتماً حرکت انرژی در اين منطقه به خطر جدی خواهد افتاد؛ اين را بدانيد. و شما هرگز قادر نيستيد امنيت انرژی را در اين منطقه تأمین کنيد.

ما شروع کننده‌ی جنگ نيستيم؛ ما با هيچ دولتی سر جنگ نداريم؛ ما آرمان بلندی داريم که همه‌ی نيروی خودمان را می‌خواهيم صرف کنيم، تا به آن آرمان برسيم و آن، ساختن ایراني است که

خوشبختی مادی و معنوی اين ملت را تأمین کند و بتواند الگویی باشد برای ملت‌های ديگر. (ملت‌های ديگر خودشان می‌دانند؛ خودشان تلاش می‌کنند.) ما می‌خواهيم اين کشور بزرگ و اين ذخاير عظيم انسانی و طبيعی را - که خدای متعال به دست اين ملت و به دست مسؤولان سپرده است - در جای

دست از پا در مورد ايران خطا کنيد، حتماً حرکت انرژی در اين منطقه به خطر جدی خواهد افتاد؛ اين را بدانيد. و شما هرگز قادر نيستيد امنيت انرژی را در اين منطقه تأمین کنيد.

دولت‌ها بعد از مشروطه تا امروز است؛ در طول این صد سال.

رئیس‌جمهور شما - آقای بوش - وارد هر جای دنیا که می‌شود، با تظاهرات مخالف مردم و با نفرت مردم مواجه می‌شود؛ در اروپا این طور است، در آسیا این طور است، در آفریقا این طور است. در امریکای لاتین، دولت‌ها با شعار مخالفت با امریکا سر کار می‌آیند. امروز شما نگاه کنید: در پرو، در اکوادور، در ونزوئلا، در بسیاری از کشورهای امریکای لاتین، داوطلبان ریاست جمهوری شعار ضد امریکایی که می‌دهند، مردم اینها را انتخاب می‌کنند. منفور بودن از این بالاتر؟! مردم امریکا در مکالمات معمولی تلفنی خودشان از ناحیه‌ی دولت‌شان امنیت ندارند؛ یعنی به مردم خودشان آن قدر اطمینان ندارند که اجازه بدهند آنها آزادانه تلفن کنند؛ تلفن‌ها را به صورت قانونی - قانون گذرانده‌اند که تلفن‌ها را کنترل کنند! - کنترل می‌کنند. این، وضع شماست.

شما وضع خودتان را با وضع ما در داخل کشور مقایسه کنید؛ با سفرهای مسؤولان کشور ما مقایسه کنید؛ با سفر اندونزی رئیس‌جمهور ما و با سفرهای رؤسای جمهوری قبلی ما به لبنان، سودان، پاکستان و به جاهای دیگر مقایسه کنید و ببینید مردم در این کشورها چه شور و شوقی نسبت به رؤسای جمهور اسلامی ایران نشان می‌دهند. چرا این‌ها را نمی‌فهمید؟! چرا اعتراف نمی‌کنید؟ شما در عراق به اعتراف خودتان سیصد میلیارد خرج کردید، تا بتوانید دولتی بر سر کار بیاورید که دست‌نشانده و مطیع امر شما باشد - ملت عراق با آنها لج کرد - و نتوانستید. (این سیصد میلیارد، اعتراف خودشان است؛ اما احتمالاً بیش از اینها خرج کرده‌اند.) در فلسطین همه‌ی تلاش خودتان را به کار بردید، تا دولت حماس بر سر کار نیاید؛ نتوانستید. ملت فلسطین علی‌رغم شما، دولت حماس را انتخاب کردند. فشارهای گوناگون از اطراف بر دولت فلسطین وارد کردید؛ ولی مردم فلسطین از لج شما همبستگی‌شان را با این دولت بیشتر کردند. در لبنان مأموران عالی‌رتبه‌ی وزارت خارجه‌ی امریکا به بیروت رفتند و چند ماه در آن‌جا ماندند، که شاید بتوانند لبنان را در پنجه‌ی خودشان بگیرند و مقاومت را در لبنان تضعیف کنند و یک لبنان دنباله‌رو اسرائیل به وجود بیاورند؛ نتوانستید. مردم لبنان با شما لج کردند. همه جای دیگر هم همین طور است. چرا آقای بوش اعتراف نمی‌کند که با رفتار خودش امریکا و ملت امریکا را در دنیا منفور کرده؛ چرا اعتراف نمی‌کند که ضعیف شده‌اید؟ چرا اعتراف نمی‌کنید که تیغتان در دنیا گند شده است؟ باز

اجتماعی، چه در سیاست و چه در دین. امروز ما کشوری هستیم با جمعیت غالباً جوان، پُرانگیزه، باایمان و دارای همه‌ی شرایط پیشرفت.

ثمرات این شجره‌ی طیبه در همه جای دنیای اسلام هم قابل مشاهده است؛ مسلمانان جهان بیدار شده‌اند و هویت اسلامی خودشان را بازیافته‌اند؛ آنها از مسلمانی خودشان احساس عزت کرده‌اند. در کشورهای اسلامی، جوانان، دانشگاہیان، روشنفکران و نخبگان، دلشان مجذوب هدف‌های اسلامی است و برای آن ارزش قائلند؛ برای آن تلاش می‌کنند. در دنیای اسلام، ملت‌هایی از برکت این شجره‌ی طیبه، هویت حقیقی و هویت ملی و اسلامی خودشان را بازیافته‌اند و با اینکه در طول سالیان متمادی در پنجه‌ی قدرت ابرقدرت‌ها بوده‌اند، احساس قدرت کرده‌اند. امروز فلسطین یک نمونه است، عراق یک نمونه است، شمال آفریقا نمونه‌های متعددی دارد، لبنان یک نمونه است. آرمان، اسلام و استقلال در میان این ملت‌هاست و آنها امیدوارانه و پُرانگیزه تلاش می‌کنند. اینها ثمرات همان شجره‌ی طیبه‌ای است که این مرد بزرگ، این عبد صالح، با قیام خود و با خصوصیات منحصر به فرد خود توانست غرس کند.

نکته‌ی دوم این است که عامل اصلی پیشرفت امام بزرگوار ما و موفقیت او این است که به یک اصل قرآنی، به یک حقیقت قرآنی، با همه‌ی وجود، با همه‌ی دل، ایمان آورد و با همه‌ی توان در راه آن تلاش و کار کرد. آن اصل قرآنی همان چیزی است که در این آیه‌ی شریفه‌ی «ان تنصرواالله ینصرکم و یثبت اقدامکم» و در آیات متعدد دیگر از آن یاد شده و بر آن تأکید شده است: اگر خدا را نصرت کنید، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد؛ اگر در راه خدا قدمی بردارید، خداوند متعال هم شما را ده‌ها

و صدها قدم جلو خواهد برد. این، اصل قرآنی و یک حقیقت است؛ یک قانونی الهی است. نصرت خدا به معنای نصرت دین اوست. دین خدا، فقط طهارت و نجاست نیست، فقط اعمال ظاهری دینی نیست؛ دین خدا یعنی برنامه‌ی سعادت بشر در دنیا و آخرت. این برنامه همان طور که ضامن رشد و اعتلای معنوی جوامع بشری است، ضامن زنده کردن استعدادهای

نصرت خدا به معنای نصرت دین اوست. دین خدا، فقط طهارت و نجاست نیست، فقط اعمال ظاهری دینی نیست؛ دین خدا یعنی برنامه‌ی سعادت بشر در دنیا و آخرت.

فکری و رشد دادن به شخصیت و توانایی های آنها هم هست. دین خدا همچنانی که به معنویت نظر دارد، به زندگی دنیایی انسان هم نظر دارد و برای خوشبختی انسان برنامه دارد. امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام) در نهج البلاغه، هدف از بعثت نبی مکرم اسلام را این گونه معین می کند: «لیثروا لهم دفائن العقول»؛ تا گنجینه های خرد

نصرت خدای متعال در واقع معنایش این است که در جهت احیای سنت های الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرت ها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه ی عوامل بدبختی و تیره روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا.

را در درون مردم استخراج کند و به فعلیت برساند. در زیارت اربعین سیدالشهداء (علیه السلام) هم می خوانیم: «لیستفقد عباده من الجهاله و حیره الضلاله»؛ قیام حسینی برای این است که ابرهای جهل و غفلت را از افق زندگی انسان ها برطرف کند و آنها را عالم کند؛ آنها را به هدایت حقیقی برساند. نصرت خدای متعال در واقع معنایش این است که در جهت احیای سنت های الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرت ها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه ی عوامل بدبختی و تیره روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا. امام برای نجات و رهایی کشور و ملت خود، این حقیقت قرآنی را به کار گرفت و خدا را نصرت کرد؛ قیام و اقدام کرد. خدای متعال هم او را نصرت کرد و به حرکت او برکت بخشید؛ به یک قدم او صد قدم پاسخ گفت. ما نصرتی را که خودمان درباره ی دین خدا می کنیم - نسبت این را - با نصرتی که خدا می کند، اگر بخواهیم بسنجیم، از نسبت یک به صد و یک به هزار هم بیشتر است. ما یک قدم برمی داریم؛ اما خداوند متعال نصرتش را وقتی شامل حال ما می کند، در حقیقت صد و هزار قدم ما را به جلو می برد. بنابراین، فاصله ی بین نصرت ما و نصرت خدا، بسیار زیاد است.

برای نجات یک کشور، میلیون ها عامل و فعل و انفعال لازم است: عوامل طبیعی، عوامل انسانی، عوامل بین المللی، عوامل سیاسی و اقتصادی. مجموعه ی این عوامل باید به کار بیفتد تا یک ملتی بتواند در

این را همه ی دنیا می دانند. امریکایی ها با کولی بازی تبلیغاتی خودشان می خواهند مطلب را بر افکار عمومی دنیا مشتبه کنند. البته نتوانسته اند، باز هم نخواهند توانست.

مطلب بعدی آنها این است که ایران دنبال بمب هسته ای است! این، یک حرف نامربوط و غلط و دروغ محض است. ما بمب هسته یی لازم نداریم. ما هیچ آماج و هدفی نداریم که بتوانیم بمب هسته ای را در آن جا مصرف کنیم. ما به کارگیری سلاح هسته ای را با احکام اسلامی مخالف می دانیم؛ این را صریحاً بیان کرده ایم. ما تحمیل هزینه ی ساخت سلاح هسته ای و نگهداری آن را بر ملت خودمان یک تحمیل بیجا و بی مورد می دانیم. ساخت چنین سلاحی و نگهداری آن، هزینه های زیادی دارد و ما به هیچ وجه جایز نمی دانیم که این هزینه بر مردم تحمیل شود؛ ما احتیاجی نداریم. ما داعیه ی تسلط بر دنیا، مثل امریکایی ها، نداریم که بخواهیم سلطه ی زور بر دنیا داشته باشیم و احتیاج به بمب هسته ای داشته باشیم؛

بمب هسته ای و قدرت انفجاری ما، ایمان ماست؛ و جوانان و مردم ما که در دشوارترین میدان ها با کمال قدرت و با همه ی ایمان ایستاده اند و باز هم خواهند ایستاد. پشت سر این تبلیغات دروغین و کمرسته ی این دروغ ها، دستگاه های سیاسی و تبلیغاتی امریکایی ها هستند و صهیونیست ها هم همراه آنها و در کنار آنها به امریکایی ها کمک می کنند. آنچه که هست، مربوط به آنهاست. من به مسؤولان امریکایی، به این تیم و گروهی که امروز اداره ی امریکا را در دست گرفته اند و داعیه ی رهبری دنیا را دارند، می خواهم دو سه مطلب را بگویم. ای کاش بشنوند؛ ای کاش فکر کنند؛ ای کاش بفهمند! من به آنها می گویم: شما خودتان را با دولت ما مقایسه کنید؛ رئیس جمهورتان را با رئیس جمهور ما مقایسه کنید. دولت شما امروز در داخل امریکا منفورترین دولت ها در تاریخ ایالات متحده است؛ این را در نظرسنجی های خودشان به همه ی دنیا اعلام کرده اند. امروز دولتی که در امریکا بر سر کار است، در تاریخ ایالات متحده، از همه ی دولت ها از نظر مردم امریکا منفورتر است. شما این را مقایسه کنید با دولت ما، که امروز دولت ما یکی از محبوب ترین

بمب هسته ای و قدرت انفجاری ما، ایمان ماست؛ و جوانان و مردم ما که در دشوارترین میدان ها با کمال قدرت و با همه ی ایمان ایستاده اند و باز هم خواهند ایستاد.

کشوری حق ندارد به فناوری هسته‌ای دست پیدا کند، یعنی تا بیست سال دیگر همه‌ی کشورهای گوناگون دنیا باید برای تأمین انرژی خودشان دست‌گدایی به سمت چند کشور غربی و اروپایی دراز کنند و از آنها انرژی بطلبند، برای اینکه بتوانند زندگی خودشان را اداره کنند. چه کسی، کدام کشور، کدام ملت، کدام مسؤول صادق یک کشور حاضر است این را بپذیرد؟! امروز ملت ما در این راه گام جلو گذاشته است و پیشقدم شده است؛ شجاعانه در این راه ایستاده است. ملت‌های جهان هیچ‌گونه علیه این کار انگیزه‌ای ندارند، تا اجماعی داشته باشند؛ اجماع بین چند کشور انحصارطلب سیاسی است و اجماع اینها ارزشی ندارد. ملت‌ها و کشورهای دنیا، همه در زبان و در دل، ملت ایران و حرکت نظام جمهوری اسلامی را در این راه تأیید می‌کنند و آن را می‌پسندند.

تبلیغات چی‌های امریکایی و صهیونیستی می‌گویند ایران یک تهدید جهانی است! ایران برای هیچ کشوری تهدید نیست؛ همه هم می‌دانند که واقعیت در مورد ایران این است. ما هیچ همسایه‌ای را تهدید نکرده‌ایم؛ ما با همه‌ی کشورهای این منطقه روابط دوستانه و برادرانه داریم. روابط کشور ما و دولت‌های ما با کشورهای اروپایی روابط سالم و خوبی است و در آینده که گاز در تأمین انرژی نقش بیشتری پیدا می‌کند، این روابط با اروپا بهتر هم خواهد شد؛ چون آنها به گاز ما احتیاج دارند. روابط ما با دنیای عرب، دوستانه و خوب است و مهم‌ترین مسأله‌ی ما در جامعه‌ی عربی، فلسطین است. ما در این مسأله آنچه را که آنها در دلشان هست، بر زبان می‌آوریم و آن را با صراحت بیان می‌کنیم. ما در قضیه‌ی فلسطین، یک موضع بسیار شفاف و روشنی داریم که ملت‌های عربی این موضع را با همه‌ی وجود دوست دارند و از اینکه ما آن را ابراز می‌کنیم، احساس عزت می‌کنند. همه‌ی مسؤلان کشورهای عربی هم دل‌هایشان همین را می‌خواهد؛ اگر چه بر اثر بعضی از ضرورت‌ها شاید نمی‌توانند به این صراحت که ما ابراز می‌کنیم، بیان کنند. روابط ما با کشورهای گوناگون این منطقه و آسیا و مناطق دیگر جهان، روابط دوستانه است. آنها حق ایران، نقش ایران، تأثیر ایران را می‌دانند و برای آن اهمیت قائلند. روابط ما با روسیه هم روابط خوبی است. روس‌ها بخوبی می‌دانند که اگر در ایران یک دولت طرفدار امریکا بر سر کار بود، چه به روز آنها می‌آمد. ما منافع مشترکی با آنها داریم؛ در آسیای میانه، در خاورمیانه و در خود این منطقه منافع مشترکی با آنها داریم. ما با دنیا مشکلی نداریم. ما هیچ تهدیدی برای دنیا نیستیم و

زندگی خودش تحول ایجاد کند. این عوامل، دست ما انسان‌ها نیست و با اراده‌ی ما ارتباط مستقیمی ندارد؛ اما ما وقتی که «قیام‌لله» می‌کنیم، خدای متعال با یک حرکت ما هزاران و میلیون‌ها حرکت و فعل و انفعال را در فضای زندگی اجتماعی به وجود می‌آورد و تحول ایجاد می‌شود؛ عیناً مثل طبیعت. شما یک نهال کوچک را در خاک فرو می‌کنید - از شما فقط همین کار است. این، کار کمی است - اما این نهال با میلیون‌ها فعل و انفعال در خاک و در خود بافت گیاهی، در فضا و هوا به یک درخت بزرگ تبدیل می‌شود؛ شاخ و برگ می‌دهد؛ میوه می‌دهد و نسبت به آن وضعیت اول، صدها و هزارها برابر تغییر پیدا می‌کند. کار شما در مقابل آن همه فعل و انفعالات هیچ است؛ اما اگر شما همان کار کوچک را که نشان‌دهنده این نهال در زمین است، انجام ندهید، این همه فعل و انفعالات انجام نمی‌گیرد. امام «قیام‌لله» کرد و خودش با همه‌ی وجود وارد میدان شد. با فریاد خود، با تلاش خود، با قبول زحمات، ملت را پای کار آورد. با این حرکت و با این عزم راسخ، خداوند متعال آن میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال را بر این حرکت مترتب کرد و آنچه اتفاق افتاد، به یک معجزه شبیه بود؛ یعنی تشکیل نظام مبتنی بر اسلام در یک نقطه‌ی حساس؛ به خاطر این حرکت امام، که البته آماج دشمنی و کینه‌ی همه‌ی صاحبان زور و زر در سرتاسر عالم است؛ اما بر خلاف نظر آنها، این حقیقت تحقق پیدا کرد.

نکنه‌ی سوم این است که یک واقعیت شگفت‌آوری در انقلاب ما وجود دارد که این انقلاب را یک حالت استثنایی می‌بخشد و آن این است که در قوانین علوم اجتماعی درباره‌ی انقلاب‌ها، می‌گویند انقلاب‌ها همچنانی که یک فرازی دارند، اوجی دارند، یک فرودی هم دارند؛ مثل سنگی که شما پرتاب می‌کنید؛ تا وقتی که قدرت بازوی شما پشت سر این سنگ است، برخلاف جهت جاذبه‌ی زمین حرکت می‌کند؛ اما وقتی این قدرت از جاذبه‌ی زمین کمتر شد، این سنگ به سمت جاذبه‌ی طبیعی زمین برمی‌گردد. آن قوانین می‌گویند تا وقتی شور و انگیزه‌ی انقلابی در مردم هست، انقلاب‌ها به سمت جلو حرکت می‌کنند، اوج می‌گیرند، بعد هم بتدریج این شور و هیجان و این عامل حرکت به پیش، کم می‌شود و در مواردی تبدیل به ضد خود می‌شود؛ انقلاب‌ها سقوط می‌کنند و برمی‌گردند پایین. انقلاب‌های بزرگ دنیا که در تاریخ دوپست سال اخیر ما اینها را می‌شناسیم، بنا بر همین تحلیل، همه با آن نظریه قابل انطباق هستند؛ اما انقلاب اسلامی از این تحلیل جامعه‌شناختی بکلی مستثناست. در انقلاب

اسلامی پادزهر فرود انقلاب در خود این انقلاب گذاشته شده است. بارها عرض کرده ایم که تجسم انقلاب در «جمهوری اسلامی» و در «قانون اساسی جمهوری اسلامی» است. نویسندگان قانون اساسی که از نظر امام و مکتب امام درس گرفته بودند، در خود این قانون عامل تداوم بخش انقلاب را گذاشته اند: پابندی به مقررات اسلامی و مشروعیت بخشیدن به قانون، مشروط بر این که بر طبق اسلام باشد؛ و مسأله‌ی رهبری.

من چند سال قبل در مقایسه‌ی بین نظام جمهوری اسلامی و نظام شوروی سابق - که امریکایی‌ها و

غربی‌ها توانستند نظام شوروی را مضمحل کنند و طمع بسته بودند که همان جریان را نسبت به انقلاب اسلامی انجام بدهند - گفتم که تفاوت‌های این دو نظام، تفاوت‌هایی است که نمی‌تواند محکوم یک قانون باشند. در نظام جمهوری اسلامی، اساس حرکت بر پابندی به مبانی است. آن چیزی که به عنوان مبدأ مشروعیت این نظام محسوب می‌شود، یعنی ولایت الهی که منتقل می‌شود به فقیه، مشروط است به پابندی بر احکام الهی.

در نظام جمهوری اسلامی، اساس حرکت بر پابندی به مبانی است. آن چیزی که به عنوان مبدأ مشروعیت این نظام محسوب می‌شود، یعنی ولایت الهی که منتقل می‌شود به فقیه، مشروط است به پابندی بر احکام الهی

آن کسی که در رتبه‌ی رهبری نشسته است، اگر نسبت به آرمان‌های اسلامی، نسبت به قوانین اسلامی از لحاظ نظری یا عملی، بی‌قید شود، از مشروعیت می‌افتد و دیگر اطاعت او بر کسی واجب نیست، بلکه جایز نیست. این، در خود قانون اساسی، یعنی در خود سند اصلی انقلاب، ثبت شده است. بنابراین، شما اگر امروز به امواج دشمنی و کینه‌ورزی دشمنان انقلاب اسلامی نگاه کنید، می‌بینید که مهم‌ترین آماج دشمنی آنها با همین دو سه اصلی است که مربوط به این عامل تضمین‌کننده و نگهدارنده‌ی انقلاب است. لذا این انقلاب شکست‌خوردنی نیست؛ این انقلاب فرود آمدنی نیست؛ این انقلاب از سیر و حرکت خود باز نمی‌ایستد؛ چون جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی مؤمن و دینی است و ایمان اسلامی در اعماق دل مردم، از همه‌ی قشرها، نفوذ دارد؛ مردم به معنای حقیقی کلمه به دین معتقدند. بنابراین، آن چیزی که جزو ارزش‌های دینی باشد، برای مردم معتبر است و حراست از آن که در قانون آمده است، از

شده‌اند و نتوانسته‌اند آن را شکست بدهند و به زانو در بیاورند.

این ملت شایسته‌ی آن است که انسان برای او مجاهدت کند؛ تلاش کند؛ کار کند. این کشور استعداد

مجد و عظمت دارد؛ این کشور می‌تواند به جایگاه تاریخی خود، که شعاع پراکندن به همه‌ی دنیاست، برسد. ما در این راه حرکت کرده‌ایم و این ملت راه‌های دشواری را پیموده است و باز هم با تلاش می‌تواند این راه را به پایان برساند.

این ملت شایسته‌ی آن است که انسان برای او مجاهدت کند؛ تلاش کند؛ کار کند.
این کشور استعداد مجد و عظمت دارد؛
این کشور می‌تواند به جایگاه تاریخی خود، که شعاع پراکندن به همه‌ی دنیاست، برسد.

چند جمله درباره‌ی تبلیغات دشمنان عرض کنم: این کولی‌بازی‌های تبلیغاتی که علیه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در دنیا، عمدتاً امریکایی‌ها و رسانه‌های صهیونیستی و امپراطوری خبری وابسته‌ی به صهیونیسم، به راه می‌اندازند، روی چند نقطه دائم تأکید می‌کنند و دائم یاوه‌گویی‌های خودشان را تکرار می‌کنند، برای اینکه شاید بتوانند جوّ دنیا را علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران تحریک کنند. آن چند نقطه: اول، این که علیه ایران اجماع جهانی است! دوم، این که ایران تهدید جهانی است! سوم، این که ایران در صدد ساختن بمب و سلاح هسته‌ای است! چهارم، این که ایران ناقض حقوق بشر است! همه‌ی حرکت تبلیغاتی دشمن بر روی این چند جمله تکیه دارد و همین‌ها را با زبان‌های مختلف، با انواع ترفندها، در دنیا تکرار می‌کنند. البته حقیقت برای ملت ما و برای بسیاری از هوشمندان عالم هم روشن است؛ اما من به طور مختصر جمله‌ی عرض می‌کنم: علیه ایران هیچ اجماعی وجود ندارد. این دروغ امریکایی‌ها و چند متحد امریکا در دنیاست. در حرکت شجاعانه‌ی فناوری هسته‌ای در ایران، صد و شانزده کشور غیرمتعهد از ایران حمایت کردند؛ سازمان کنفرانس اسلامی از ایران حمایت کرده است؛ دولت‌های مستقل، همه از ایران حمایت می‌کنند. آن کسانی هم که با فشار امریکا و زیر رودریاستی با امریکا گاهی واسطه می‌شوند که حرف‌های آنها را برای ما تکرار کنند، خودشان آهسته به ما می‌گویند این را امریکایی‌ها از ما خواسته‌اند؛ نظر خود ما این نیست! کشورهای دنیا، کشورهایی که می‌خواهند آینده‌ی خودشان را تأمین کنند، همه با انحصار فناوری هسته‌ای در چند کشور دنیا مخالفت می‌کنند. این که هیچ

و شاخ و برگ آن را این چنین گسترده کرد، همه با هم باید حفظ کنیم؛ هم مسؤولان، هم آحاد مردم، هم نخبگان سیاسی، هم نخبگان علمی، هم اهل حوزه، هم اهل دانشگاه، هم کارگر و هم همه‌ی قشرهای دیگر. این، وظیفه‌ی همه است؛ همه، انقلاب و کشور را باید از خود بدانند؛ همه، نظام جمهوری اسلامی را باید از خود بدانند؛ همه، امت جمهوری اسلامی‌اند. ما آن کسانی را غریبه می‌دانیم؛ از این دایره خارج می‌دانیم، که برای دشمن کار می‌کنند. آن کسی که امام و راه امام و وصیت‌نامه‌ی امام را قبول دارد، او «خودی» است؛ آن کسی که استقلال ایران برایش دارای اهمیت است و به آن پایبند است، «خودی» است؛ آن کسی که عزت این ملت و پیشرفت علمی این ملت را دنبال می‌کند، او «خودی» است.

غریبه‌ها کسانی هستند که مشتاق سلطه‌ی امریکایند؛ آن‌ها کسانی هستند که در خانه، برای دزدِ کمین گرفته کار می‌کنند و به نفع او اقدام می‌کنند. غریبه آن کسی است که بلندگوی افکار و اهداف دشمنان این ملت است. آن کسی که سخن ملت را می‌گوید، آن کسی که از زبان این ملت حرف می‌زند،

همه، انقلاب و کشور را باید از خود بدانند؛
همه، نظام جمهوری اسلامی را باید از خود
بدانند؛ همه، امت جمهوری اسلامی‌اند. ما آن
کسانی را غریبه می‌دانیم؛ از این دایره خارج
می‌دانیم، که برای دشمن کار می‌کنند.

آن کسی که با دشمنان این ملت دشمنی می‌کند، آن کسی که در راه مصالح این ملت در هر بخشی قدم برمی‌دارد، جزو سربازان جمهوری اسلامی است. آن کسانی که عمداً در قول و عمل، وحدت را می‌شکنند و حرکت در جهت خواست دشمن می‌کنند، اینها در مقابل جمهوری اسلامی صف آرای می‌کنند. البته «خودی»‌ها مراقب باشند؛ غفلت نکنند. گاهی دیده می‌شود بعضی از «خودی»‌ها از سر غفلت و نادانی - گاهی هم به ندرت، بعضی ناجوانمردانه - تحت تأثیر کینه‌های شخصی، کار غریبه‌ها را می‌کنند! این افراد باید به هوش باشند.

این ملت حرکت کرده است؛ این ملت قیام کرده است؛ این ملت بخش مهمی از این راه را پیش رفته است؛ این ملت اقتدار خود را به دشمنان خودش نشان داده است؛ این ملت همان ملتی است که بیست و هفت سال است همه‌ی دستگاه‌های استکبار جهانی علیه او کمر بسته‌اند، تصمیم گرفته‌اند، هم‌قسم

نظر مردم یک وظیفه است. الان شما مشاهده می‌کنید که شانزده سال بعد از رحلت امام و بیست و شش سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دولتی بر سر کار می‌آید که شعار اصلی آن، پیروی از آرمان‌های اسلام و انقلاب و عدالت است و مردم هم رأی و دل و خواست و جهت حرکتشان همین است. هر چند دشمنان، مخالفان و کینه‌ورزان بین‌المللی این ملت و این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی درباره‌ی این ملت جور دیگری فکر می‌کنند؛ اما ما مردم خودمان را می‌شناسیم و این مردم حقیقت خودشان، دل خودشان، جهتگیری خودشان را که همان جهتگیری عمیق اسلامی است، در انتخاب‌های خود و در حرکت و شعارهای خود به روشنی نشان می‌دهند.

نکته‌ی چهارم این است که سرمایه‌ای که امام برای کشور و ملت ما ذخیره کرده است، یک سرمایه‌ی تاریخی و حیاتی است. این سرمایه و ذخیره‌ی ارزشمند، استقلال سیاسی ماست؛ خودباوری ملی ماست؛ خودباوری فرهنگی ماست؛ ایمان عمیق مردم ماست؛ شجاعت ملت و مسؤولان ما در مقابل تهدیدهای دشمن و فریب نخوردن در برابر تمجیدها و تظلم‌های اوست؛ اینها درس‌هایی است که امام عزیز ما در طول ده سال با نفس گرم خود، با روش خود، با ممشای خود، به ملت ما درس داد و فضای کشور ما پُر است از این درس ارزشمند. ما باید این ذخیره را نابود نکنیم؛ ما باید این ذخیره را نفروشیم؛ ما باید این ذخیره و سرمایه‌ی ارزشمند را راکد هم نگذاریم و آن را مصرف روزانه‌ی سیاسی خودمان هم نکنیم، بلکه باید این ذخیره را با دقت و مراقبت تمام حفظ کنیم و از سود این ذخیره و سرمایه‌ی ارزشمند، آینده‌ی کشور و تاریخ خودمان را بسازیم.

عزیزان من! کشور ما در مسیر رشد و پیشرفت افتاده است و از آن حالت خواب‌آلودگی و رخوتی که در طول ده‌ها سال بر او تحمیل شده بود، با انقلاب عظیم ما و نظام جمهوری اسلامی ما، بیرون آمده است. ما در کشورمان هم منابع طبیعی فراوان و هم منابع انسانی بسیار ارزشمندی داریم.

امروز هر حرکت علمی و تحقیقی که بخواهد در علوم مختلف در این کشور انجام بگیرد، استادان کار و محققان می‌توانند ده‌ها، صدها، هزارها ذهن آماده را برای افتادن در این کار پیدا کنند. ما امروز در همین مسأله‌ی فناوری هسته‌ای - که مسأله‌ی روز ملت ما و مسأله‌ی روز دنیاست - با اینکه سابقه‌ای هم نداشتیم و از دیگران هم چیزی به وام نگرفتیم، توانسته‌ایم صدها جوان مؤمن و اندیشمند و کارآمد، با

مغزهای فعال و با سرپنجه‌های هنرمند و قدرتمند، گرد بیاوریم، تا بتوانند این بار سنگین را برای ملت ما بر دوش بگیرند و به پیش ببرند. و در همه‌ی بخش‌ها همین‌طور است. منابع طبیعی و منابع انسانی در کشور ما فراوان است. دولت‌های قبلی زمینه‌های زیادی را فراهم کردند، امروز هم بحمد... دولت کار و تلاش و مجاهدت بر سر کار است و باید از زمینه‌های آماده‌شده‌ی قبلی حداکثر استفاده را بکنند؛ نقایص

قبلی را باید جبران کنند و از هماهنگی و همدلی این ملت عظیم و قدرشناس حداکثر استفاده را بکنند، تا کشور ما که در مسیر رشد و پیشرفت هست، باز هم جلو برود و گردنه‌های گوناگون را طی کند و خود را به قله‌ی زندگی - که حق ملت ایران است - نزدیک کند. اما آنچه برای بنای آینده‌ی ما لازم است:

اولاً، تقویت ایمان دینی است، که ستون اصلی کار است. بدون ایمان دینی - که در این ملت دارای عمق هم هست - کاری پیش نمی‌رفت، بعد از این هم کاری پیش نمی‌رود. باید ایمان دینی تقویت شود. دوم، عدالت، که بزرگترین نیاز انسان‌هاست. باید عدالت به عنوان یک پرچم برافراشته در دست

مسئولان قوای سه‌گانه و مسئولان کشور باشد و به دنبال عدالت حرکت بکنند.

سوم، باید علم را - که مایه‌ی اقتدار ملی است - همه‌جای بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون جوش است؛ درون‌زاست. باید استعدادهای یک ملت به کار بیفتند تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه عالم بشود.

چهارم - علاوه‌ی بر اینها - آنچه که زمینه و بستر به کار گرفتن ایمان و عدالت و علم است، اتحاد ملی و آرامش در سطح کشور است. اگر در کشور آرامش نباشد، نه از علم می‌شود بهره‌برداری کرد، نه از

اما آنچه برای بنای آینده‌ی ما لازم است:
اولاً، تقویت ایمان دینی است، که ستون اصلی کار است...
دوم، عدالت، که بزرگترین نیاز انسان‌هاست...
سوم، باید علم را - که مایه‌ی اقتدار ملی است - همه‌جای بگیرند و دنبال کنند...
چهارم، اتحاد ملی و آرامش در سطح کشور است.

ایمان، و نه می‌شود عدالت را در جامعه مستقر کرد.

امروز دشمنان این ملت، بزرگترین جایزه را به کسی می‌دهند که بتواند این پایه‌ها را متزلزل کند و با ایمان مردم بجنگد؛ ایمان به خدا، ایمان به مردم، ایمان به راه و ایمان به موفقیت را در دل‌های مردم تضعیف کند. امام دارای این چهار ایمان بود:

امام دارای این چهار ایمان بود:
ایمان به خدا، ایمان به مردم، ایمان به این راه و ایمان به موفقیت حتمی آخر کار.
ایمان‌ها در دل مردم، آنها را به حرکت، به اندیشیدن، به پیش رفتن، وادار می‌کند. آن کسانی که ایمان به خدا، ایمان به مردم، ایمان به این راه، ایمان به موفقیت را در مردم تضعیف کنند، برای دشمن

کار کرده‌اند. دشمن، بزرگترین جایزه را به این افراد می‌دهد. همچنین آن کسانی که با حرکت علمی کشور مخالفند؛ آن کسانی که دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقی، مرکز علمی را می‌خواهند از علم و از تحقیق و پژوهش دور کنند، برای دشمن کار می‌کنند. دشمن، بیشترین جایزه را حاضر است به این افراد بدهد. آن کسانی که علیه امنیت ملت کار می‌کنند، وحدت ملی را مخدوش می‌کنند، به عنوان حمایت از اقوام، می‌خواهند وحدت ایرانی را - این اقوام، همه ایرانی‌اند؛ همه وفادار به ایرانند و همه خود را ایرانی می‌دانند و به آن مفتخرند - متزلزل کنند، برای دشمن کار می‌کنند.

وظیفه‌ی دستگاه‌های مسؤول است که دشمنان ملت را درست بشناسند؛ ایادی دشمن را در میان مردم

بدانند؛ جهتگیری‌های دشمنان را بشناسند و از حق ملت دفاع کنند؛ از امنیت ملت دفاع کنند؛ از دانش‌پژوهی و پیشرفت علمی در کشور دفاع کنند؛ این وظیفه‌ی دستگاه‌های مسؤول است.

نکته‌ی آخر: این شجره‌ی طیبه‌ی امام را که امام بزرگوار غرس کرد و خدای متعال برکت بخشید

این شجره‌ی طیبه‌ای را که امام بزرگوار غرس کرد و خدای متعال برکت بخشید و شاخ و برگ آن را این چنین گسترده کرد، همه با هم باید حفظ کنیم؛